

ظهور ژاپن مدرن

نگاهی به مشروطه ژاپنی

ویلیام جی. بیزلی

ترجمه شہریار خواجیان



فهرست

- ۹..... مقدمه مترجم
- ۱۷..... سپاسگزاری
- ۱۹..... پیشگفتار
- ۲۱..... ۱. میراث توکوگاوا
- ۲۲..... جامعه سیاسی
- ۳۰..... اقتصاد
- ۳۸..... فرهنگ و اندیشه
- ۴۵..... ۲. چالش غرب، پاسخ ژاپن
- ۴۶..... کشور بسته
- ۵۱..... قراردادهای نابرابر
- ۶۱..... تروریسم
- ۶۷..... ۳. سرنگونی توکوگاوا، ۱۸۶۰-۱۸۶۸
- ۶۸..... سیاست خارجی و مخالفان داخلی
- ۷۹..... پایان باکوفو

۴. برپایی یک دولت مدرن، ۱۸۶۸-۱۸۹۴..... ۸۷
- حکومت امپراتوری..... ۸۸
- مالیات بر زمین و اصلاحات نظامی..... ۹۵
- ماشین دولت..... ۱۰۰
۵. امپراتور میجی و قانون اساسی میجی، ۱۸۷۳-۱۹۰۴... ۱۰۷
- جنبش قانون اساسی..... ۱۰۸
- قانون اساسی..... ۱۱۴
- امپراتور و ایدئولوژی سیاسی..... ۱۱۹
۶. استقراض فرهنگی، ۱۸۶۰-۱۹۱۲..... ۱۲۵
- آموختن درباره غرب..... ۱۲۶
- قانون و آموزش و پرورش..... ۱۳۴
- روشنگری و محافظه کاری فرهنگی..... ۱۴۰
۷. صنعتی شدن: مرحله نخست، ۱۸۶۰-۱۹۳۰..... ۱۴۷
- بنیادها، ۱۸۶۰-۱۸۸۵..... ۱۴۸
- رشد صنعتی و تجارت خارجی، ۱۸۸۵-۱۹۳۰..... ۱۵۴
- اقتصاد ژاپن در دهه ۱۹۲۰..... ۱۶۱
۸. سرمایه داری و سیاست های داخلی، ۱۸۹۰-۱۹۳۰..... ۱۷۱
- توسعه اقتصادی و تغییرات اجتماعی..... ۱۷۱
- کنسرواتیسیم، لیبرالیسم، سوسیالیسم..... ۱۷۹
- سیاست های حزبی..... ۱۸۵
۹. استقلال و امپراتوری، ۱۸۷۳-۱۹۱۹..... ۱۹۵

- سال های احتیاط، ۱۸۷۳-۱۸۹۴..... ۱۹۶
- نفوذ در شرق آسیا، ۱۸۹۴-۱۹۰۵..... ۲۰۲
- نخستین در میان برابرها، ۱۹۰۵-۱۹۱۹..... ۲۰۹
۱۰. سربازان و میهن پرستان، ۱۹۱۸-۱۹۳۳..... ۲۱۷
- معضل چین..... ۲۱۸
- واکنش ملی گراها..... ۲۲۳
- حادثه منچوری..... ۲۲۸
۱۱. نظم نوین در ژاپن، ۱۹۳۱-۱۹۴۵..... ۲۳۷
- نظامیان در سیاست..... ۲۳۸
- اندیشه های خطرناک..... ۲۴۶
- اقتصاد تحت کنترل..... ۲۵۱
۱۲. یک امپراتوری مفتوح و مغلوب، ۱۹۳۷-۱۹۴۵..... ۲۵۹
- نظم جدید در شرق آسیا..... ۲۶۰
- راه منتهی به پرل هاربر..... ۲۶۵
- حوزه رفاه مشترک..... ۲۷۲
- شکست..... ۲۷۶
۱۳. اشغال نظامی، ۱۹۴۵-۱۹۵۲..... ۲۸۳
- استقرار سیاسی پس از جنگ..... ۲۸۴
- دموکراسی دستوری..... ۲۹۰
- قرارداد صلح و پیمان دفاعی..... ۲۹۵
۱۴. دموکراسی محافظه کار و اتحاد با آمریکا، ۱۹۵۱-۱۹۷۲..... ۳۰۱

سیستم سیاسی پس از سال ۱۹۵۱.....	۳۰۲
روابط خارجی.....	۳۱۲
۱۵. معجزه اقتصادی.....	۳۱۹
رشد صنعتی، ۱۹۵۵-۱۹۷۳.....	۳۲۰
تجارت و صنعت پس از «ضربه نفتی».....	۳۲۶
تغییر اجتماعی و سطح زندگی.....	۳۳۰
۱۶. پایان عصر شوا، ۱۹۷۱-۱۹۸۹.....	۳۴۱
مناقشات تجاری و سیاست اقتصادی.....	۳۴۲
محافظه کاری و ملی‌گرایی.....	۳۴۹
۱۷. فروپاشی الگوی پسا جنگی، ۱۹۸۹-۱۹۹۹.....	۳۶۱
فروپاشی سیاست‌ها.....	۳۶۲
رکود اقتصادی و مسائل خارجی.....	۳۶۹
برخی اصطلاحات ژاپنی.....	۳۸۱
نخست‌وزیران ژاپن، ۱۸۸۵-۱۹۹۹.....	۳۸۳
نقشه‌ها.....	۳۸۵
کتاب‌شناسی برگزیده.....	۳۸۹
نمایه.....	۳۹۵

مقدمه مترجم

مجمع الجزایر ژاپن (شامل چهار جزیره هوکایدو، هونشو، شیکوکو و کیوشو) تا نیمه قرن نوزدهم کشوری ناشناخته بود که عمدتاً زیر سایه سنگین تاریخی و تمدنی همسایه بزرگ خود، چین، به سر می‌برد و کم‌تر نامی از آن در تاریخ روابط شرق و غرب از عهد باستان، سده‌های میانه و حتی عصر جدید تا نیمه قرن نوزدهم برده شده بود. این‌که کشور ناشناخته‌ای همچون ژاپن چگونه در کم‌تر از پنج دهه توانست یک قدرت بزرگ آسیایی شود و حتی در آغاز قرن بیستم (سال ۱۹۰۴) یک امپراتوری قدرتمند اروپایی مانند روسیه را در نبردی برق‌آسا شکست دهد و، پس از چند دهه، عملاً به یک قدرت صنعتی و نظامی قاره‌ای و حتی بین‌قاره‌ای تبدیل شود و، به دنبال ۱۵۰ سال رفورم و ضدرفورم، میلیتاریسم و جنگ و اشغال نظامی، در پایان قرن بیستم، خود را تا سطح یک قدرت بزرگ اقتصادی در جهان ارتقا دهد موضوعی است که کتاب حاضر به بررسی آن می‌پردازد. در این کتاب نشان داده می‌شود که ژاپن چگونه در کم‌تر از یک نسل از جامعه‌ای پسا فئودالی به آشکال‌آفرین تولید صنعتی گام گذاشت، تجربه‌ای دردناک برای ژاپنی‌ها که ناچار از پشت سر گذاشتن سنت و آسیایی‌گری و رفتن به سوی تجدد و غرب‌گرایی شدند.

کتاب سپس به دهه پراشوب ۱۹۳۰ و امپراتوری‌ای می‌پردازد که در کم‌تر از هشت سال (۱۹۳۷-۱۹۴۵) سر برآورد و فرو ریخت و، آن‌گاه، به تحولات عمده پس از سال ۱۹۴۵، از جمله دست یافتن به رشد خیره‌کننده اقتصادی، عطف توجه

می‌کند. کتاب در عین حال رکود اقتصادی و ناآرامی‌های سیاسی گسترده دهه ۱۹۹۰ و تاریخ ژاپن را تا پایان قرن بیستم برمی‌رسد.

سرگذشت ژاپن و روند تحول و پیشرفت تقریباً پیوسته آن در ۱۵۰ سال گذشته از بسیاری جهات برای ما ایرانیان تأمل‌برانگیز و عبرت‌آموز است. اصلاحات میجی، که تقریباً دو دهه پس از اصلاحات امیرکبیر صورت گرفت، آغازگر روندی شد که ژاپن کنونی را بر ساخت. البته با این تفاوت مهم که در ایران صدراعظم اصلاح طلب بود و شاه محافظه کار و مرتجع، اما در ژاپن شاه یا امپراتور میجی خود مبتکر و پیش‌برنده اصلاحات شد. شاید در پایان این کتاب خواننده ایرانی بتواند دست‌کم برخی پاسخ‌ها را برای این پرسش تاریخی ما ایرانیان بیابد که چگونه دو کشور واپس‌مانده آسیایی، با یک سطح کمابیش برابر توسعه اجتماعی-اقتصادی (هرچند بسیار متفاوت به لحاظ فرهنگی) تا نیمه‌های قرن نوزدهم، که همزمان یک رشته اصلاحات اجتماعی-سیاسی-اداری را آغاز کردند و به راه خود رفتند، اکنون، پس از بیش از یک و نیم سده فراز و نشیب، در صحنه داخلی و بین‌المللی در موقعیت‌هایی متفاوت قرار گرفته‌اند. آیا اصولاً این مقدر بوده است که ایران پس از ۱۵۰ سال کماکان کشوری در حال توسعه بماند و ژاپن به کشوری کاملاً پیشرفته و صنعتی تبدیل شود؟ همان‌طور که در این کتاب خواهیم دید، توسعه و نوسازی ژاپن نیز همچون کشور ما با مقاومت‌های بسیاری از سوی طرفداران حفظ وضع موجود روبه‌رو بود که اصلاح و توسعه را به تأخیر می‌انداخت، اما عوامل گوناگونی همچون موقعیت جغرافیایی منزوی ژاپن و تجانس فرهنگی نسبی مردمان آن، از یک سو، و کشف نفت در ایران همزمان با پیروزی مشروطه‌خواهان بر استبداد صغیر (سال ۱۹۰۸)، از سوی دیگر، عملاً یک عامل بسیار استراتژیک اما ناشناخته را وارد مناسبات اقتصادی و سیاسی ایران کرد که پیامدهای بلندمدت و پیش‌بینی‌ناپذیر و بعضاً مخربی برای رابطه دولت و ملت داشت و سبب در موضع فرادست قرار گرفتن اولی به زیان دومی شد؛ همچنین، شکاف‌های فرهنگی، مذهبی، قومی و زبانی، که راه تشکیل دولت-ملت در ایران را پرپیچ و خم و دشوار می‌ساخت - و کماکان می‌سازد - دو کشور را، به‌رغم پیشینه به‌یکسان توسعه‌نیافته، به راه‌های جداگانه رهنمون ساخت. به

عبارتی، عوامل عینی و ذهنی‌ای چون اقتصاد رانتی-نفتی، پیچیدگی‌های فرهنگی، قومی، مذهبی و زبانی، موقعیت ژئوپولیتیک ایران و سایه سنگین قدرت‌های جهانی کار نوسازی همه‌جانبه کشور ما را دشوار ساخت و تحقق آن را به تأخیر انداخت و بعضاً به انحراف کشاند. شاید حادثه‌ای که موجب جدا شدن راه ژاپن از کشور ما و دیگرانی همچون ما شد پیروزی نظامی دور از انتظار این کشور در جنگ با روسیه قدرتمند در سال ۱۹۰۴ (دو سال پیش از انقلاب مشروطه) بود که ایران روزگار شگفتی جهانیان را برانگیخت و به نوعی محرک انقلاب ۱۹۰۵ روسیه (به عنوان یک عامل فشار خارجی) شد. از سوی دیگر، خبر آن پیروزی، که دیر هم به ایران رسید، به نوبه خود روحیه بخش انقلابیون مشروطه‌خواه ایران در مبارزه با دولت و دربار روسوفیل قاجار شد.

گروهی دیگر از صاحب‌نظران بر آنند که اصولاً ساختارهای اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی دو کشور متفاوت تر از آن بوده‌اند که دو کشور راه توسعه یکسانی بیابند. از جمله این‌که فتوایسوم ژاپن کمابیش مشابه نوع اروپایی آن بود و در ایران شکل ویژه ارباب-رعیتی داشت؛ دیگر این‌که در ژاپن زیرساخت‌های لازم برای توسعه اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد از نیمه دوم سده نوزدهم به تدریج فراهم شده بود، در صورتی که در ایران چنین مهمی تاکنون نیز محقق نشده است؛ سوم این‌که ژاپن از نظر منابع طبیعی فقیر بوده و هست و لذا صنعتی شدن تنها راه توسعه آن بود، در حالی که در ایران عاملی نوظهور و استراتژیک به نام نفت ظهور کرد که شوربختانه نقشی ضدانگیزشی در فرایند نوسازی کشور ایفا کرد، تا آن‌جا که اقتصاد ایران، حتی پس از اصلاحات معطوف به توسعه و نوسازی دهه ۱۳۳۰، به دلیل صادرات نفت، نیازی به صادرات صنعتی نیافت - و هنوز هم کمابیش نمی‌یابد.

یکی از روشنفکران صدر مشروطه و پدران فکری این نهضت بزرگ، که در عین حال تحولات ژاپن را دنبال می‌کرد، طالب تبریزی بود. وی، برای جلب توجه ایرانیان به اصول مشروطه، قانون اساسی ژاپن را ترجمه کرد و در مقدمه آن نوشت: «حقوق مهمی که برای امپراتور شناخته شده، دیگر رؤسای کشورهای مشروطه ندارند و نباید داشته باشند. آن امتیازات اولاً نتیجهٔ اوضاع